

اعلامیه حقوق بشر

مصوب سال ۱۹۴۸

- همه انسانها آزاد زاده شده اند و صرف نظر از نژاد، رنگ پوست، مذهب، سیاست، سایر معتقدات، ملیت و یا طبقه اجتماعی، دارایی، اصل و نسب و یا سایر مواضع از ارزش و حقوق یکسانی برخوردار هستند.
- حق زندگی، آزادی و ایمنی شخصی حق کلیه انسانها است.
- هیچکس نباید مورد شکنجه، رفتار و یا مجازات بیرحمانه، غیر انسانی و یا تحقیر آمیز قرار گیرد.
- مردان و زنان بالغ صرف نظر از نژاد، ملیت و یا مذهب از حق ازدواج نمودن و تشکیل خانواده برخوردار هستند. آنها در هنگام ازدواج، در طول زندگی مشترک و در هنگام فسخ عقد ازدواج از حقوق یکسانی برخوردار هستند. ازدواج نیز مستلزم توافق کامل هر دو نفر است.
- کلیه انسانها از حق آزادی فکر، وجدان و مذهب برخوردار بوده و این آزادی را دارند که باورها و یا مذهب خود را تغییر دهند.
- کلیه انسانها حق برخورداری از آزادی عقیده و گفتار را دارا هستند.
- کلیه انسانها از حق کار کردن، آزادی انتخاب شغل، وضعیت شغلی عادلانه و رضایتبخش و نیز حق برخورداری از ایمنی در قبال بیکاری برخوردار هستند.
- کلیه انسانها حق تحصیل دارند. تحصیلات می بایست به رشد شخصیت و مستحکم تر نمودن امر احترام به حقوق و آزادیهای انسانی منجر گردد.
- کلیه انسانها در قبال جامعه و وظایفی بعهده دارند.

کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض در مورد زنان

مصوب سال ۱۹۷۹

- زنان می بایست از کلیه حقوق انسانی برخوردار بوده و بتوانند به این حقوق جامه عمل بپوشانند.
- مسئولیت فرزندان بعهد هر دو والدین است. منافع فرزندان می بایست مرکز توجه باشد.
- قوانین می بایست به تضمین حفظ حقوق زنان و تساوی بین زنان و مردان بپردازد.
- تبعیض موقت به نفع زنان در صورتی که هدف دستیابی به تساوی بین زن و مرد بوده باشد، مجاز است.
- زنان می بایست در مورد حق رای در انتخابات عمومی، تصدی مشاغل دولتی/ کمونی و شرکت در شکل دهی به سیاست کشور، منجمله شرکت در کارهایی که در سازمانهای بین المللی انجام می گیرد نیز نسبت به مردان از حقوق یکسانی برخوردار باشند.
- جهت تغییر الگوهای رفتار اجتماعی - فرهنگی مردان و زنان می بایست اقداماتی صورت گیرد. پیش داوریهها، عرف و عادت که ریشه آن در تصور زیر دست بودن یکی از جنسیتها بوده و یا اینکه مبتنی بر نقش ذهنی انجام یافته در مورد نقش مرد و زن است می بایست ریشه کن گردد.
- زنان می بایستی هنگام اکتساب، تغییر و یا حفظ تبعیت خود از حقوق یکسانی برخوردار بوده و در هنگام ازدواج نیز نمی توان تابعیت همسر را بدانان تحمیل نمود.
- کودکان نمی بایست بطور اتوماتیک تابع تبعیت پدر خود باشند.
- زنان در امر تحصیل، آموزش عالی و در بازار کار از حقوق یکسانی برخوردار هستند.
- با نقشهای یکنواخت جنسیتهای متفاوت در زمینه تحصیلات و کار می بایست مبارزه گردد.
- محتوای کتب آموزشی نمی بایست تائید کننده نقشهای سنتی دو جنس مخالف باشد بلکه بر عکس می بایست مشوق افراد در انتخاب تحصیلات و کاری که به جنسیت افراد مرتبط نیست باشد.
- زنان حق انتخاب آزادانه حرفه، برخورداری از حقوق مساوی، امنیت اجتماعی، ایمنی کاری، مزایای خانوادگی، وام بانکی و سایر اعتبارها را دارا هستند.
- زنان را نباید بدلیل حاملگی و یا مادر شدن آنها از کار اخراج نمود.
- جامعه می بایست به توسعه خدمات اجتماعی بپردازد تا بتوان زندگی خانوادگی را با کار و شرکت در زندگی کاری تلفیق نمود.
- جامعه باید به توسعه خدمات اجتماعی بپردازد تا بتوان زندگی خانوادگی را با کار و حرفه و شرکت در زندگی اجتماعی توأم نمود.
- زنان می بایست حق برخورداری از خدمات بهداشتی و سلامتی و نیز حق تصمیم گیری در مورد داشتن و یا نداشتن فرزند را دارا باشند.
- زنان می بایست در مقابل قانون و در محضر دادگاهها از حقوق یکسانی برخوردار باشند.
- حق مالکیت برای زنان را نباید محدود نمود.
- زنان می بایست حق نقل مکان و انتخاب محل سکونت خود را داشته باشند.
- زنان می بایست در مورد ازدواج، انتخاب همسر، رضایت در مورد ازدواج، حقوق و وظایفی که ازدواج برای شخص به همراه می آورد و همچنین از حق یکسان در مورد درخواست طلاق برخوردار باشند.
- زنان می بایست در مورد امر قیمومیت، سرپرستی از اولاد و به فرزند خواندگی از حقوق یکسانی برخوردار باشند.
- زنان می بایست در مورد انتخاب نام خانوادگی خود از حق یکسانی برخوردار باشند.

کنوانسیون حقوق کودکان

مصوب سال ۱۹۸۹

- منظور از کودکان در سوند کلیه افراد زیر ۱۸ سال است.
- در هر موردی که به کودکان ارتباط می‌یابد می‌بایست منافع آنها مرکز توجه قرار گیرد. بچه‌ها حق زندگی دارند.
- کودکان می‌بایست بلافاصله پس از تولد آنها ثبت احوال شوند. آنها حق دارند که دارای نام بوده و تبعیت کشوری را داشته باشند و در صورت امکان نیز بدانند که والدین آنها چه کسانی هستند.
- بچه‌ها را نباید بر خلاف میل آنها از والدینشان جدا نمود.
- در صورتی که ضرورت داشته باشد می‌توان بچه‌ها را از والدین آنها جدا نمود بعنوان مثال هنگامی که به آنها دست درازی شده و یا مورد سوء مراقبت قرار گرفته باشند و یا هنگامی که والدین آنها جدا از یکدیگر زندگی کنند در آن صورت باید تصمیم گرفته شود که بچه‌ها در کجا باید زندگی کنند.
- بچه‌هایی که والدین آنها جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند می‌بایست بتوانند با هر دو والدین خود تماس داشته باشند مشروط بر آن که این امر با منافع بچه‌ها مغایرت نداشته باشد.
- بچه‌ها را نباید بدون اجازه از کشور خارج نموده و آنها را در خارج از کشور نگاه داشت.
- بچه‌ها حق دارند که صاحب عقیده بوده و بتوانند در کلیه مواردی که به آنها مربوط می‌شود آذانه به بیان نظر خود بپردازند. معذک سن و رشد فکری آنها را باید در نظر گرفت.
- آزادی فکر، وجدان و مذهب بچه‌ها باید مورد احترام قرار گیرد.
- عقاید خود در مورد زندگی شخصی و خانوادگی بچه‌ها را نباید بدانها تحمیل نموده و یا اینکه با آنها برخورد غیر قانونی نمود.
- بچه‌ها باید در قبال هر گونه خشونت جسمی یا روحی، آسیب، دست درازی، سوء مراقبت یا قصور در مورد آنها، ضرب و جرح یا سوء استفاده، از جمله سوء استفاده جنسی مورد حمایت قانون و اقدامات اجتماعی و اداری قرار گیرند.
- بچه‌هایی که بطور موقت یا بصورت دائم از والدین خود جدا می‌گردند این حق را دارند که مورد حفاظت و کمک از طرف جامعه قرار گیرند. سوابق قومی، مذهبی، فرهنگی و زبانی بچه‌ها را باید رعایت نمود.
- بچه‌هایی که دارای نقص جسمی یا روحی هستند این حق را دارند که از یک زندگی رضایتبخش و محترمانه برخوردار باشند.
- بچه‌ها حق دارند که از خدمات درمانی و توانبخشی و نیز از تامین اجتماعی برخوردار گردند.
- بچه‌ها را نباید در معرض عرف و عادت سنتی که به سلامت آنها آسیب می‌رساند قرار داد.
- بچه‌ها حق دارند که به تحصیلاتی که هدف آن رشد شخصیت، استعداد و تواناییهای جسمی و روحی آنها است، بپردازند. این تحصیلات می‌بایست آنها را در جهت رشد احترام به والدین خود و نیز رشد احترام آنها به سوابق فرهنگی، زبانی و ارزشهای خود آنها و کشوری که در آن سکونت دارند و همچنین به ارزشهای ملی کشور محل تولد خود و سایر فرهنگهایی که متفاوت از فرهنگ خود آنها است هدایت کند.
- بچه‌ها حق برخورداری از استراحت، اوقات فراغت، بازی و تفریحاتی که مناسب سن آنها باشد را دارند.
- بچه‌ها را نباید ربود، فروخت و یا به صورتی دیگر به آنها آسیب رسانید.

" از هیچ فرهنگ، هیچ مذهب و یا هیچ معیار ارزش فکری دیگری نمی‌توان بعنوان دلیلی برای تحت ستم قرار دادن زنان استفاده نمود. برای منع کردن یک دختر جوان از انتخاب نحوه زندگی و اتخاذ تصمیمهای خود نمی‌توان به هیچ فرهنگ، مذهب و یا معیار ارزش فکری دیگری توسل جست."

مونا سلین



استخراج شده از سه
سند بین المللی

سازمان ملل متحد

- اعلامیه حقوق بشر
- کنوانسیون برطرف نمودن هر گونه تبعیض در مورد زنان
- کنوانسیون حقوق کودکان

بازپرداخت متن اصلی توسط:

سیمون لیندستن Simone Lindsten از استانداری استان Västra Götaland
ترجمه توسط:



LÄNSSTYRELSEN
VÄSTRA GÖTALANDS LÄN